

تشکیل سرمایه از طریق سیستم بانکی و کاربرد آن در بورس اوراق بهادار

حسن محمدی

دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)

hasanmohamadi70@gmail.com

جلال ورزنده

دانشجوی کارشناسی مدیریت مالی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)

TMBA چکیده:

امروزه اقتصاددانان بر این باورند که مقامات ذی ربط در کشورهای در حال توسعه می توانند سطح پس انداز داخلی و نهایتاً تجهیز منابع سرمایه ای را با کمک سرمایه های خارجی تأمین نمایند که نتیجه آن امکان افزایش سرمایه گذاری ثابت در این کشورها خواهد بود. در کنار این راه حل، راه حل دومی نیز وجود دارد که همانا تجهیز و هدایت وجوه موجود در کشور به سمت فعالیت های مولد صنعتی است. یکی از ویژگی های کشورهای در حال توسعه، پراکندگی و نابسامانی پس اندازها و سرمایه هاست به نحوی که سرمایه ها به مسیرهای بهینه هدایت نمی شوند. به منظور بهینه سازی مسیر گردش منابع مالی در این اقتصادها لزوم تشکیل بازارهای کارآمد و قوی همراه با سازمان های مالی مناسب و فعال در این بازارها از مهمترین عوامل مؤثر در افزایش سرمایه گذاری و در پی آن رشد و توسعه است که تقریباً در تمامی کشورهای در حال توسعه این سازمان های مالی مناسب و یا نظام مالی قوی وجود ندارد یا در یک سطح ابتدایی و محدود قرار داشته که عملاً نمی توانند نقش قابل ملاحظه ای را در تجهیز و هدایت وجوه موجود به سمت فعالیت های مولد داشته و تأثیر مناسب و کارایی را در ارتقاء و بهبود ساختار اقتصادی کشور داشته باشند. در این مقاله قصد داریم به بررسی روند تشکیل سرمایه در اقتصاد ایران با تأکید بر نقش بانک ها، موسسات بیمه ای و همچنین نقش بورس اوراق بهادار در این زمینه بپردازیم.

واژگان کلیدی: تشکیل سرمایه، سیستم بانکی، بورس اوراق بهادار.

۱- مقدمه:

بازارهای مالی سازمان یافته و یکپارچه نقش برجسته ای در تشکیل سرمایه دارند و فقدان آنها به عنوان یکی از مهمترین دلایل عقب ماندگی اقتصادهای توسعه نیافته محسوب می شود، زیرا عدم تشکیل سرمایه کافی می تواند منجر به کاهش بهره وری و در نتیجه کاهش سطح درآمدها و رشد اقتصادی که انعکاسی از قدرت تولید کم است، شود. در صورتیکه تشکیل سرمایه کافی از طریق افزایش سرمایه گذاری می تواند منجر به افزایش اشتغال، کاهش بیکاری و افزایش بهره وری در سطح جامعه شود. بازار پول در ایران بدنه اصلی نظام مالی را به خود اختصاص داده است. به طوری که حجم منابع مالی که به سوی بازار سرمایه جریان می یابد تنها ۳٪ منابع جریان یافته به سوی بانک ها است این بازار نقش عمده ای در رشد میزان سرمایه گذاری دارد. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران نقش اصلی در بازار پول را بانک ها بازی می کنند (۱). شناخت فرآیند تشکیل سرمایه نیز برای اجرای

سیاست‌های اقتصادی و هم برای جهت‌گیری استراتژی توسعه اقتصادی ضروری می‌باشد و شناخت این فرایند در ایران و چگونگی انجام آن، مستلزم داشتن بینش کلی از این موضوع می‌باشد.

۲- روند تشکیل سرمایه در ایران

تشکیل سرمایه، واژه کلیدی در فرآیند توسعه اقتصادی هر کشور است. مفهوم «تشکیل سرمایه» آن است که جامعه کلید فعالیت مولد جاری خود را به خدمت نیازمندی‌ها و تمایلات مصرف‌فوری نمی‌گذارد، بلکه قسمتی از آن را صرف تولید کالاهای سرمایه‌ای می‌کند. از قبیل ابزارها و ماشین‌آلات و وسایل حمل و نقل و کارگاه‌ها و تجهیزات و کلیه شکل‌های مختلف سرمایه واقعی که قادر است تأثیر نیروهای مولد جامعه را به میزان زیادی افزایش دهد. در طرح کلاسیک‌ها هر افزایش که در آهنگ تشکیل سرمایه رخ دهد، مستلزم کاهش در مصرف است (۲).

سرمایه‌گذاری یا تشکیل سرمایه، زمانی امکان‌پذیر است که تخصیص منابع منجر به افزایش ذخایر سرمایه‌ای، چه مادی و چه انسانی شود. تشکیل سرمایه و به کارگیری آن، درآمد را افزایش می‌دهد و افزایش درآمد به نوبه خود، تشکیل سرمایه را بیشتر تسهیل می‌کند. برای تولید کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و ایجاد خدمات زیربنایی که شرط لازم توسعه محسوب می‌شود نیاز به سرمایه است (۳).

منبع تشکیل سرمایه، پس‌انداز است. هر چه میزان پس‌انداز بیشتر شود، شرایط برای سرمایه‌گذاری هموارتر خواهد بود. مصرف‌یک جامعه تابعی از درآمد ملی است. با افزایش یا کاهش درآمد ملی، مصرف نیز افزایش یا کاهش پیدا می‌کند که این خود تأثیر لازم را بر تشکیل پس‌انداز (که همان پس‌انداز خانوارها، پس‌انداز مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی و پس‌انداز دولتی است) خواهد گذاشت. در صورتی تشکیل پس‌اندازها می‌تواند به تشکیل سرمایه منجر شود که مراحل زیر بطور متوالی و مستمر صورت گیرد. افزایش حجم واقعی پس‌انداز در جامعه، جمع‌آوری و تراکم منابع مالی پس‌انداز شده از سوی مؤسسات پولی و مالی، سرمایه‌گذاری و جوجه پس‌انداز شده به منظور تمرکز بیشتر تشکیل سرمایه در کشورهای در حال توسعه بسیار حائز اهمیت است. این کشورها برای رهایی از دور تسلسل فقر، نیازمند تمرکز بیشتر سرمایه و استفاده مطلوب تر و کامل تر از منابع بالقوه و بالفعل هستند. زیرا زمانی که افراد جامعه درآمد پایینی دارند پس‌انداز کاهش پیدا می‌کند، در نتیجه به دلیل کاهش سرمایه‌گذاری، تولید هم کاهش می‌یابد. وقتی تولید کم شود درآمد، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری نیز پایین می‌آید. در نتیجه کاهش تولید منجر به تشدید فقر شده و این دوره تسلسل همچنان ادامه می‌یابد. مگر آنکه از طریق پس‌انداز و تشکیل سرمایه، درآمدها را افزایش دهند. بنابراین تقاضا برای کالاها زایل می‌شود و بازار گسترش می‌یابد (۴).

تشکیل سرمایه بعد از جنگ جهانی دوم مطرح گردید و در واقع پدیده جنگ جهانی به این امر کمک کرد: نخست تجربه برنامه مارشال^۱ بود که به پیروی از آن، مقادیر انبوه کمک‌های مالی آمریکا، کشورهای ویران شده اروپایی را قادر به بازسازی اقتصادی کرد. پدیده دوم، قدرت گرفتن و تجربه اتحاد جماهیر شوروی و رشد سریع با استفاده از انباشت سریع سرمایه بود که این امر بر اهمیت تشکیل سرمایه تأکید می‌کرد (۵).

تشکیل سرمایه در ایران در دوره ۱۳۴۷-۷۹ از روندی بسیار ناپایدار برخوردار بوده است. دلیل عمده این بی‌ثباتی، نحوه تأمین منابع مالی سرمایه‌ای بوده که با استفاده از منابع مالی موقت به صورت شوک‌وار و عدم بهره‌مندی از پتانسیل پس‌اندازهای ملی، صورت پذیرفته است. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های دولتی نیز که بیشتر در بخش‌های عمرانی صورت گرفته، زمینه فعالیت

¹ Marshal

بیشتر بخش خصوصی را فراهم آورده و سبب بسط تشکیل سرمایه بخش خصوصی شده و وجود اثر جانشینی جب ری در اقتصاد ایران را با تردید مواجه کرده است (۲).

بسط سرمایه گذاری بخش دولتی در طرح های عمرانی نیز سبب آن شده که در کوتاه مدت حجم تقاضای کل نسبت به پس انداز کل، افزایش بیشتری پیدا کند و متعاقب آن، رشد تورم تشدید شود. تشکیل سرمایه و وجود نرخ های پس انداز و سرمایه گذاری بالا می تواند منجر به نرخ رشد پایدار غیر تورمی شود.

کشور ما طی دهه ۱۳۶۰ به دلیل مشکلات ناشی از جنگ و نااطمینانی حاکم بر فعالیت های اقتصادی، روند نزولی نرخ های پس انداز و سرمایه گذاری را تجربه کرد و شاهد نوسانات شدید نرخ رشد اقتصادی بود، به طوری که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت های ثابت سال ۶۱ در برخی سال ها، منفی و یا نزدیک به صفر بوده است. به علاوه مقایسه متوسط نسبت پس انداز ناخالص داخلی به GDP طی دهه ۶۰ که در سطح ۱۹ درصد قرار داشت، با متوسط نسبت سرمایه گذاری دولتی و خصوصی به ترتیب معادل ۷/۷ و ۹/۲ درصد بوده که این خود بیانگر وجود شکافی عمیق میان منابع پس انداز و سرمایه گذاری است. در واقع، علیرغم پایین بودن نرخ پس انداز داخلی در کشور در مقایسه با بسیاری از کشورهای آسیایی، حتی منابع موجود نیز به دلیل وجود جو عدم اطمینان و بی ثباتی اقتصادی به تشکیل سرمایه تبدیل نمی شد، که بالطبع رشد اقتصادی را با موانع اساسی مواجه ساخته بود. به طوری که متوسط نرخ رشد GDP بلقیمت های ثابت طی دهه ۶۰، بالغ بر ۱/۷ درصد سالانه گردید که در مقایسه با ظرفیت بالقوه رشد اقتصادی کشور در حدود ۸ درصد، در سطح بسیار نازلی قرار داشت (۳).

در عین حال افزایش نسبت پس انداز ناخالص داخلی به GDP از متوسط سالانه ۱۹ درصد طی دهه ۱۳۷۰ به متوسط سالانه ۲۸ درصد طی سال های ۷۵-۸۰، منجر به افزایش نرخ رشد اقتصادی از متوسط ۱/۷ درصد به ۵/۴ درصد طی دوره مذکور گردید. که این خود بیانگر اثرات مثبت پس انداز بر رشد اقتصادی است. در واقع علیرغم افزایش نرخ پس انداز داخلی طی سال های اخیر، به دلیل وجود شکاف میان منابع پس انداز و سرمایه گذاری، نرخ رشد اقتصادی همچنان در سطوح پایین تری از ظرفیت بالقوه آن قرار داشقاست (۴).

در عین حال، بررسی تفکیک سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی در ایران نشانگر پایین بودن نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش دولتی نسبت به بخش خصوصی است. به طوری که نسبت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش دولتی و خصوصی به GDP طی سال های ۸۵-۸۰ بطور متوسط به ترتیب معادل ۷ و ۱۰ درصد بوده است. میزان هزینه های دولتی طی سال های گذشته نه تنها از میزان پس انداز بخش دولتی پایتر است، بلکه منجر به بروز کسری بودجه های ضمنی گردیده که با تورم های نسبتاً بالا همراه بوده است. در واقع کاهش میزان مخارج دولتی به منظور افزایش حجم پس انداز دولتی از جمله عواملی است که می تواند منابع بیشتری را به امر سرمایه گذاری اختصاص دهد (۳). کشور ما به دلیل نرخ های پس انداز پایین در مقایسه با کشورهای جنوب شرقی آسیا، شاهد نرخ های رشد پایین تری بوده است.

کشورهای جنوب شرقی آسیا از معدود کشورهایی بودند که نرخ رشد اقتصادی در حد ۱۰ درصد را طی دهه گذشته تجربه کردند. در حالیکه متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۶۱ در کشور ما، معادل ۴/۱ درصد بوده است. اگر چه این کشورها در طی سال های گذشته با بحران عمده ای مواجه شدند اما باید خاطر نشان کرد که این بحران نه بخاطر وجود جریان سرمایه های خارجی، بلکه نشأت گرفته از مدیریت ناصحیح منابع ساختارهای نامطلوب مالی، عدم انعطاف پذیری ناپذیری نظام ارزی برای مقابله با کسری تراز پرداخت ها و شرایط نامطلوب خارجی است (۶). لذا کشور ما که همواره علاوه بر وجود شکاف پس انداز و سرمایه گذاری، با کمبود منابع خارجی مواجه بوده است، باید از تجربه این کشورها استفاده کرده و راه را برای رسیدن به رشد پایدار غیر تورمی هموار نماید.

راگنارنورکس^۱ چنین بیان می‌کند: «در حقیقت در مناطق فقیر جهان یک ارتباط دوری در هر دو طرف مسئله تشکیل سرمایه وجود دارد. در طرف عرضه در نتیجه کاهش سطح درآمد واقعی، ظرفیت پس انداز پایین بوده و سطح پایین درآمد واقعی، انعکاسی از قدرت تولید کم است که آنهم به نوبه خود به میزان زیادی ناشی از فقدان سرمایه است و فقدان سرمایه هم ناشی از کاهش پس انداز است» (۷).

۳- بررسی نقش و جایگاه سیستم بانکی در تشکیل سرمایه کشور

نظام بانکی به طور کلی از طریق ایجاد سازوکار خلق پول، تجهیز پس اندازها و تدارک نقدینگی، تدارک ابزار پرداخت و ... و در کنار اینها با کمک به ایجاد تعادل بین سرمایه گذاری و پس انداز و ایجاد تعادل در بخش خارجی، بر عملکرد کل اقتصاد تأثیر می‌گذارد. در واقع بانکها، پول‌های سرگردان و سرمایه‌های غیرقابل بکارگیری و جزئی افراد و مؤسسات را در قالب سپرده‌های بانکی متمرکز و به یکی از عوامل اساسی تولید تبدیل می‌نمایند. از ملموس‌ترین کارکردهای نظام بانکی کشور، تجهیز منابع سرمایه یا تجهیز سپرده‌ها و تدارک نقدینگی برای سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف اقتصاد و تخصیص بهینه منابع سرمایه می‌باشد (۱).

اولین بانک ایرانی در سال ۱۲۶۶ به نام بانک جدید شرق توسط خارجیان تأسیس شد. بیشترین تعداد بانک‌ها در فاصله ۴۱-۱۳۲۸ تأسیس شدند. پیش از پیروزی انقلاب، تعداد بانک‌های کشور ۳۵ بانک با مال کیت های دولتی و یا خصوصی فعالیت می‌نموده است به طوری که در فاصله سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۲ جمع‌داری‌های بانک‌ها تقریباً ۷ برابر و میزان سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌ها و مبلغ وام‌های اعطایی بانک‌ها به اشخاص بیش از پنج برابر افزایش یافت. پس از پیروزی انقلاب و بعد از ملی شدن کلیه بانک‌ها، مجمع عمومی بانک‌ها سیستم بانکی کشور را مجدداً تجدید سازماندهی کرد که تعداد بانک‌ها به ۱۰ بانک کاهش یافت. ۵ بانک تجاری و ۵ بانک تخصصی. سه بانک صنعت و معدن، کشاورزی و مسکن، مجموعه بانک‌های تخصصی را تشکیل می‌دهند. در سال ۱۳۶۲ با تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا که مطابق آن تمامی فعالیت‌های بانک‌ها باید در چارچوب قراردادهایی نظیر: مشارکت (اداره مشترک شرکت‌ها)، مضاربه (همکاری در اداره سرمایه)، جعاله، فروش اقساطی انجام پذیرد، بانک اجناس مورد نیاز سرمایه‌گذاران را می‌خرد و آن را پس از محاسبه سود به آنها می‌فروخت. با این حساب سودی که بانک به سپرده‌های خود پرداخت می‌کرد متکی بر اصل تقسیم سود و زیان بود و این امر باعث شد که تحول قابل توجهی در عرصه فعالیت‌های بانکی در ایران پدید آید. هدف اصلی از تجدید سازماندهی سیستم بانکی، کنترل بهتر بانک مرکزی بر سیاست‌های پولی، انطباق فعالیت‌های بانکی با نظام بانکداری اسلامی و هماهنگی در پرداخت وام و اعتبار به بخش‌های مختلف اقتصادی بوده است (۸).

بانکداری اسلامی سود حاصل از بهره را جایز نمی‌شمارد. در حال حاضر مؤسسات مالی اسلامی که نمونه پیشرفته آنها از دهه ۱۹۷۰ آغاز به کار کرد، در بیش از ۷۵ کشور جهان مشغول فعالیت هستند. در بانکداری اسلامی مبتنی بر قواعد اسلام شیوه مشارکت متقابل را پیشنهاد کردند؛ بدین گونه که هر دو طرف اعتباردهنده و وام‌گیرنده باید در سود و زیان حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها شریک باشند. بنابراین بر اساس این قاعده بانکها، به تجهیز سپرده‌ها و اعطای وام به منظور افزایش سود خود اقدام نمی‌کنند، بلکه ملاحظاتی نظیر حقوق مردمی و عدالت اجتماعی نیز وزن قابل توجهی دارند که دولت و مالکیت دولتی عهده‌دار هدایت سیستم بانکی بدان سمت می‌باشد (۹). از جمله اهداف سیستم بانکداری اسلامی، توسعه اقتصادی و ثبات عدالت اجتماعی است.

¹ Ragnarnourks

حال عملکرد سیستم بانکداری در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

میزان کل سپرده‌های جمع‌آوری شده شبکه بانکی کشور در سال ۱۳۵۶ معادل ۱۱۵۰ میلیارد ریال بوده است که از این میزان ، ۶۴۵ میلیارد ریال (۵۶ درصد) مربوط به سپرده‌های جمع‌آوری شده از بخش خصوصی و ۵۰۵ میلیارد ریال (۴۴ درصد) مربوط به سپرده‌های جمع‌آوری شده از بخش دولتی بوده است. نسبت میزان سپرده های بانکی و سپرده های بخش خصوصی به کل پس‌اندازهای کشور در این سال به عنوان سهم و نقش نظام بانکی در تجهیز منابع سرمایه به ترتیب معادل ۴۰ درصد و ۲۲ درصد بوده است. از سال ۱۳۵۶ به بعد تا سال ۱۳۶۴ میزان سپرده‌های تجهیز شده توسط نظام بانکی با یک رشد متوسط سالانه ای معادل ۶/۶ درصد افزایش یافته است و به رقم ۲۰۴۶ میلیارد ریال بالغ گردیده است. بررسی ترکیب سپرده‌های تجهیز شده در طی این دوره نشان می‌دهد که سپرده‌های بخش دولتی با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۳/۸ درصد افزایش یافته‌اند که این امر موجب افزایش سهم سپرده‌های دولتی به ۵۶ درصد و کاهش سهم سپرده‌های بخش خصوصی به ۴۴ درصد در این سال گردیده است. بر همین اساس، در سال ۱۳۶۴ شاخص نسبت کل سپرده‌های نظام بانکی به پس‌اندازهای ناخالص ملی به عنوان معیاری برای تعیین سهم نظام بانکی کشور در تجهیز منابع سرمایه‌ای به ترتیب به ۷۱ درصد و ۳۱ درصد رسید که با توجه به نرخ رشد شاخص پس‌اندازهای ملی و همچنین کاهش نسبت به پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی ۱۹/۶ درصد در سال ۱۳۵۶ به رقم ۱۲/۸ درصد در سال ۱۳۶۴ بیانگر تضعیف جایگاه نظام بانکی کشور در تجهیز منابع سرمایه‌ای می‌باشد (۸).

از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۶۸ یعنی سال شروع برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی کشور این روند همچنان ادامه می‌یابد. در این دوره میزان سپرده‌های بانکی با نرخ رشد متوسط سالانه معادل ۱۱/۲ درصد افزایش یافته؛ بطوری که در سال ۱۳۶۸ میزان این سپرده‌ها به ۳۱۳۰ میلیون ریال افزایش می‌یابد. در این شرایط بررسی ترکیب سپرده‌ها نشان می‌دهد که این میزان رشد ، عمدتاً ناشی از رشد قابل توجه سپرده‌های دولتی است. بطوری که میزان این سپرده‌ها با نرخ رشد متوسط سالانه ای معادل ۱۲/۸ درصد به ۱۸۴۱ میلیارد ریال یعنی ۵۹ درصد از کل سپرده‌های جمع‌آوری شده نظام بانکی بالغ می‌گردد و سپرده‌های تجهیز شده از بخش خصوصی با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۹ درصد به ۱۲۸۱ میلیارد ریال افزایش می‌یابد. مقایسه آمار میزان سپرده با تولید ناخالص ملی کشور نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود این میزان رشد در تجهیز سپرده‌ها، نسبت منابع تجهیز شده نظام بانکی کشور از تولید ناخالص مالی از یک روند نزولی برخوردار بوده است؛ بطوری که این نسبت به ۱۱/۳ درصد در سال ۱۳۶۸ تقلیل یافته است.

از سال ۱۳۶۸ به بعد همراه با اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در کشور، اقداماتی به طور متقارن در نظام بانکی کشور به اجرا درمی‌آید. براین اساس، افزایش کارآیی در دستور کار نظام بانکی کل کشور قرار می‌گیرد و برای نیل به این هدف بر کاهش کنترل های اداری، افزایش رقابت، افزایش سود حاصل از عملیات بانکی و توزیع سود و بیشتر میان سپرده‌گذاران تأکید می‌گردد. بطوری که برای مثال نرخ سود اسمی سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به ترتیب از ۶/۵ درصد و ۱۰/۴ درصد در سال ۱۳۶۹ با یک روند افزایشی روبه‌رو می‌گردد (۸).

میزان سپرده‌های جذب شده نظام بانکی کشور طی دوره (۷۸-۱۳۷۶) با نرخ رشد متوسط سالانه ای معادل ۲۵ درصد افزایش یافته است و به رقم ۳۶۶۹۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ بالغ گردیده است. بررسی ترکیب سپرده‌های تجهیز شده نشان می‌دهد که سپرده‌های جذب شده از بخش دولتی با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۲۷ درصد و سپرده‌های جذب شده از بخش خصوصی با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۲۸/۹ درصد افزایش یافته و به ترتیب به ۲۰۴۰۳ میلیارد ریال و ۱۶۲۹۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ بالغ گردیده است. با این وجود با توجه به نرخ رشد متوسط ۴۵/۵ درصدی پس‌اندازهای ملی در این سهم، جایگاه نظام بانکی کشور در تجهیز منابع سرمایه‌ای تضعیف گردیده است. بطوری که، سهم سپرده های بانکی از کل پس اندازها و تولید

ناخالص ملی کشور به ترتیب ۲۲/۶ درصد و ۸/۷ درصد در سال ۱۳۷۲ تقلیل یافته است. در پایان سال ۱۳۷۹ یعنی سال اول برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور میزان سپرده‌های جذب شده شبکه بانکی معادل ۴۸۰۵۷ میلیارد ریال بوده است که رشدی معادل ۳۰ درصد، نسبت به سال ۱۳۷۸ را نشان می‌دهد که از این میزان رشد، ۱۶/۲ درصد مربوط به رشد سپرده‌های بخش دولتی و ۱۳/۸ درصد مربوط به رشد سپرده‌های بخش خصوصی بوده است. علیرغم این رشد قابل توجه، میزان جذب سپرده های بانکی سهم سپرده‌ها از تولید ناخالص ملی کشور در سال ۱۳۷۹ هیچ تغییر محسوسی را ننموده است. شاخص دیگری که برای عملکرد نظام بانکی در جذب سپرده‌ها و تجهیز منابع می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ مقایسه نرخ رشد سپرده‌ها و نرخ رشد حجم پول در کشور می‌باشد. بررسی آمار مربوط به نرخ رشد سپرده‌ها در مقایسه با نرخ رشد حجم پول و نقدینگی طی دو دهه گذشته نشان می‌دهد که به طور متوسط نرخ رشد سپرده‌ها کمتر از نرخ رشد حجم پول بوده است. خصوصاً طی سال های (۸۸ - ۱۳۸۰) این وضعیت به صورت حادثتری ملاحظه می‌گردد. این امر خود حاکی از ناتوانی نظام بانکی کشور در تجهیز سپرده ها در این دوره بوده است. در سال‌های ۱۳۸۹ خصوصاً با شروع اجرای اصلاحات در نظام بانکی کشور این وضعیت تا حدودی تغییر می‌نماید. به طور متوسط تا سال ۱۳۸۹ هنوز نرخ رشد حجم پول از نرخ رشد سپرده‌ها جذب شده توسط شبکه بانکی کشور بالاتر بوده است (۸). با توجه به نتایج این بررسی آماری باید خاطر نشان ساخت که در این سالها سیستم بانکی کشور به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام بانکی کشور در تجهیز منابع سرمایه‌ای از عملکرد مناسبی برخوردار نبوده است.

۴ - بررسی نقش و جایگاه بازار بیمه در تشکیل سرمایه ایران

امروزه صنعت بیمه در جهان نقش اساسی و تعیین کننده ای را در تحرک و پویایی بازار سرمایه و تأمین وجوه قابل سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اقتصادی بویژه از طریق بیمه‌های عمر و پس‌انداز ایفا می‌کند (۱۰). بیمه یکی از اجزای بازار مالی است که بخشی از منابع مالی جریان یافته به سوی بازار مالی را به صورت حق بیمه جذب کرده و غالباً تنها بخشی از این حق بیمه برای تعهدات جاری لازم است که به صورت نقد نگهداری می‌شود. بی‌تردید هرچه صنعت بیمه توسعه یافته‌تری داشته باشیم مؤسسات بیمه نیز نقش بیشتر و مؤثرتری در بازار سرمایه خواهند داشت. بدیهی است که وجود بازار بیمه و بازار سرمایه توسعه یافته نیز از مشخصه‌های بارزی است که اقتصادهای توسعه یافته را از اقتصادهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته متمایز می‌کند (۱۱).

بیمه خصوصاً بیمه عمر می‌تواند زمینه‌ساز پس‌انداز که خود زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری است باشد. در واقع این نوع بیمه، ماهیت نوعی پس‌انداز بلندمدت را دارد. از این رو توجه به آن و ارائه راهکارهای عملی برای افزایش بیمه های عمر ضرورت خاصی می‌یابد. عموماً سهم بیمه عمر در ایجاد و گسترش پس‌انداز در کشورهای مختلف متفاوت است. نسبت بیمه عمر به پس‌انداز در کشور پیشرفته‌ای مانند آمریکا عمدتاً بالای ۲۰ درصد است، که این امر نقش بیمه عمر در ایجاد و تجهیز پس‌انداز در این کشور را نمایان می‌کند. حال در کشور شیلی که یک کشور در حال توسعه است نسبت بیمه عمر به پس‌انداز بیشتر از ۷ درصد است، که در مقایسه با کشورهای در حال توسعه عددی مطلوب است. با افزایش حق بیمه عمر و هدایت پس‌اندازهای حال از آن به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد می‌توان انتظار داشت که رشد و توسعه اقتصادی کشور تقویت شود و در نتیجه آن رفاه خانوارها افزایش یابد (۱۲).

در کشورهای در حال توسعه با سطح درآمد پایین و به ویژه در شرایط سخت اقتصادی و تورمی شدید که قدرت پس‌انداز و تجهیز منابع سایر ابزارها و نهادهای مالی به شدت کاهش می‌یابد، پس‌انداز حاصل از فعالیت‌های بیمه‌ای به تنها کانال پس‌انداز مردم تبدیل می‌شود. بنابراین در کشورهای در حال توسعه که یکی از ویژگی‌های اقتصاد آنها، بحران‌های متعدد اقتصادی و تورم بالاست و همچنین با کمبود منابع پس‌انداز و سطح پایین درآمد مواجهند، باید نقش این نهادهای مالی بیش از کشورهای توسعه

یافته مورد توجه قرار گیرد. در کشورهای انگلستان، آمریکا و ژاپن به ترتیب ۶۴ درصد و ۴۹ درصد و ۳۹ درصد پس انداز ملی توسط صنعت بیمه تجهیز و به سوی زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری هدایت می‌شوند و این نقش در منابع پس‌اندازی بیشتر از نظام بانکی و بورس اوراق بهادار این کشورهاست (۱۳).

شرکت‌های بیمه، وجوه بیمه‌گذاران را که بصورت ذخایر فنی (مبالغی که شرکت‌های بیمه در اختیار دارند و مربوط به تعهدات آینده‌شان است) در اختیار دارند، به عنوان دارایی سودآور به کار می‌گیرند و در فع‌الیت‌های مناسب اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند. این شرکت‌ها بعنوان مؤسسات مالی، وجوه متراکم شده بیمه‌گذاران را در مؤسسات صنعتی یا بازرگانی متعلق به دولت یا بخش خصوصی می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند. آنچه که در شرکت‌های بیمه حایز اهمیت است، انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری است، چرا که برای تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری سه عامل سوددهی، قابلیت تبدیل یا دستیابی به نقدینگی و اطمینان از اصل سرمایه را باید در نظر داشته باشند (۱۴).

در شرکت‌های بیمه برخلاف سایر شرکت‌های تولیدی، سرمایه، اندوخته‌ها، ذخایر و سایر منافع وجوه، صرف ایجاد و یا خرید تأسیسات، تجهیزات و... نمی‌شود، بلکه این شرکتها سرمایه و اندوخته‌های خود را به صورت‌های مختلف مانند نگهداری سپرده ثابت، خرید اوراق قرضه دولتی، خرید اوراق و سهام شرکت‌ها، پرداخت وام رهنی و وام به کارکنان و یا مشارکت در سایر طرح‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند. سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار به ویژه سهام می‌تواند به سودهای مناسب بلندمدت منجر شود. بنابراین تمامی شرکت‌های بیمه برای اداره حق بیمه‌های دریافتی باید در بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری کنند. توسعه فعالیت‌های بیمه‌ای به بازار سرمایه کارآمدی نیازمند است و از طرف دیگر رشد بازار سرمایه در گرو نقش فعال وجوه بیمه‌ای است. روند همگرایی دو بازار سرمایه و بیمه در جهان کاملاً ملموس است. بخش بیمه‌ای ایران به بازار سرمایه به شدت نیازمند است، چرا که صنعت بیمه در ایران مراحل جنینی را می‌گذراند.

زندگی هر انسانی را بدون شک خطرانی تهدید می‌نماید که شاید اکثریت ما نسبت به این خطرات آگاهی و شناختی نداشته باشیم و یا نسبت به آنها بی‌اعتنا باشیم. تاریخ تمدن انسان بخوبی نشان می‌دهد که بشر برای جلوگیری از حوادثی که جان و مال او را تهدید می‌کرده، راه‌حل‌های متنوعی را ابداع کرده و تا حد زیادی توانسته بر آنها فایق آید و از بروز حوادث جلوگیری نماید. تا آنکه فکر ایجاد بیمه در جوامع بشری پیدا شد و از این تاریخ به بعد است که بیمه بصورت یکی از جنبه‌های اساسی و حیاتی زندگی بشر و بصورت یک رشته پیچیده و فنی از حیات او جلوه گر شده است و نوعی همیاری اجتماعی به منظور سرشکن کردن زیان افراد یا فرد بین همه افراد گروه یا جامعه است. تاریخ بیمه در حقیقت با تاریخ تجارت و کشتی‌رانی شروع می‌شود. می‌توان گفت که قدیمی‌ترین نوع بیمه در بیمه دریانوردان فنیقی^۱ مرسوم بوده است. در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی کئه بیمه باربری، آتش‌سوزی و عمر در اروپا و آمریکا و حتی هندوستان توسعه پیدا می‌کند، در ایران اثری از بیمه‌گری مشاهده نمی‌شود. بیمه برای اولین بار در سال ۱۲۶۹ هـ. ش در ایران مطرح شد. براساس منابع موجود در این سال، مذاکراتی بین دولت وقت ایران و سفارت روس به عمل آمد و متعاقب آن امتیاز فعالیت انحصاری در زمینه بیمه حمل و نقل برای مدت ۷۵ سال به یک فرد تبعه روس به نام «لازار پولیاکف»^۲ واگذار شد. نامبرده ظرف مهلت سه سالی که جهت آغاز فعالیت بیمه‌ای برای وی در نظر گرفته شده بود، قادر به تأسیس شرکت بیمه و فعالیت بیمه‌ای نگشت و به همین لحاظ امتیاز وی لغو شد. در سال ۱۲۸۹ دو شرکت بیمه روس به نام‌های «نادژدا»^۳ و «کافکازموکویی»^۴ اقدام به تأسیس نمایندگی بیمه جهت بازدید و پرداخت خسارت در ایران نمودند.

¹ Fenighee

² Lazar Poulyackf

³ Nadzhda

⁴ Kafkazmoukouyee

در سال ۱۳۰۰ ه.ش کمپانی بیمه انگلیس «آسورانس»^۱ در ایران شروع به کار می کند. این مؤسسه در سال ۱۳۰۰ بابت بیمه آتش سوزی مجلس شورای ملی ۵۰ درصد خسارت را که بالغ بر ۲۴ هزار تومان بود پرداخت کرد. در سال ۱۳۰۸ نمایندگی بیمه انگلیسی «هارلد لیمیتد»^۲ و در سال ۱۳۰۹ «وستون آستوالین»^۳ در ایران تأسیس شد. آغاز فعالیت جدی در زمینه بیمه ایر آن را می توان سال ۱۳۱۰ ه.ش دانست. زیرا در این سال قانون و نظامنامه راجع به ثبت شرکت ها در ایران به تصویب رسید و متعاقب آن بسیاری از شرکت های بیمه خارجی اقدام به تأسیس شعبه یا نمایندگی در ایران نمودند (۱۵).

۵- بررسی نقش و جایگاه بورس اوراق بهادار در تجهیز منابع سرمایه ای کشور

با توجه به اهمیت سازوکار بورس اوراق بهادار، به عنوان مهمترین شیوه تأمین مالی سرمایه گذاری های اقتصاد کلان، گسترش حوزه نفوذ بازار سرمایه از جنبه های مختلف موضوعی با اهمیت به شمار می آید و مشارکت طیف گسترده تر مردم را در فعالیت های اقتصادی مولد امکان پذیر می سازد. بورس اوراق بهادار به معنی یک بازار متشکل و رسمی سرمایه است که در آن خرید و فروش سهام شرکت ها و یا اوراق قرضه دولتی و یا مؤسسات معتبر خصوصی تحت ضوابط و قوانین خاصی انجام می شود. مشخصه مهم بررسی حمایت قانون از صاحبان پس اندازها و سرمایه های راکد و الزامات قانونی برای متقاضیان سرمایه است. در نهایت با گسترش فرهنگ بازار سرمایه در جامعه و سازمان یافته شدن آن، زمینه های کاهش درجه و شدت اتکای بنگاه های اقتصادی را به استقراض از شبکه بانکی یا تأمین دولتی فراهم می آورد (۱۶).

تشکیل اولین بورس اوراق در جهان به سال ۱۶۶۰ میلادی روایت می شود. به دنبال تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه ۱۳۴۰ و با توجه به ارتباط گسترده سیاسی و اقتصادی ایران آن دوره با نظام اقتصاد سرمایه داری غربی، بورس ایران به عنوان یکی از ابزارهای استراتژی وابستگی به غرب متولد شد. دهه ۱۳۴۰ به رغم تبلیغات دولتی آن عصر دهه صنعتی شدن نام گرفت. شرایط فرهنگی و سنتی و قدرت انگیزه های سوداگری در افراد در اوان معرفی بورس اوراق بهادار به جامعه به نحوی بود که کمتر سرمایه گذاری قبول خطر می کرد و تقریباً دو سال طول کشید تا قانون تأسیس بورس مصوب اردیبهشت ۱۳۴۵ به فعالیت درآمد و سپس بورس تهران تأسیس شد (۱۷).

بورس در ایران هنوز نقش و جایگاه واقعی خود را در اقتصاد ملی باز نیافته است. در واقع مهمترین دلیل این ناکامی، فراهم نیامدن انگیزه یا امکان مشارکت مردم برای حضور در این بازار بوده است. اهمیت بالقوه بورس اوراق تهران به عنوان مهمترین سازوکار گرد آمدن و هدایت منابع پس انداز راکد یا سرگردان به سوی فعالیت های مولد اقتصادی و شتاب دادن به فرآیند توسعه اقتصاد ملی است. کشورهای توسعه یافته برای دستیابی به رشد اقتصاد پایدار، به ایجاد و تجهیز بازار تشکیل سرمایه و تقویت روزافزون وضعیت بازار بورس اوراق بهادار پرداختند. این بازارها با فراهم آوردن انجام مبادله و معامله انواع اوراق بهادار اعم از سهام و اوراق قرضه، وجوه مازاد افراد و بنگاه های اقتصادی را جذب و به سمت سرمایه گذاری های ملی دارای بازدهی هدایت می نمایند. بورس اوراق بهادار لازمه توسعه مشوق های سرمایه گذاری و اهرمی برای جذب و هدایت سرمایه مالی است. بورس، ماهیتی دوگانه دارد. بنابه شرایط اقتصادی و مالی کشور و امکانات آن می تواند به عنوان اهرمی جهت جلب منابع سرمایه گذاری یا به عنوان وسیله سودجویی بورس بازان مورد استفاده قرار گیرد (۱۸). علی رغم اینکه بازار بورس در کشورهای صنعتی دارای سابقه بسیار طولانی می باشد، در ایران بیش از ۲۵ سال از عمر این بازار نمی گذرد که در این دوران نیز عملاً فعالیت چندانی نداشته است.

¹ Assurance

² Harould Limited

³ Westoun Austouvalin

۶- بررسی وضعیت عملکرد بورس اوراق بهادار تهران

فعالیت بورس تهران از ۶۴/۱۱/۱۵ با انجام چند معامله روی سهام بانک توسعه صنعت و معدن، که بزرگترین مجتمع واحدهای تولیدی و اقتصادی آن زمان ایران بود آغاز شد و به دنبال آن سهام شرکت نفت پارس، اوراق قرضه دولتی، اسناد خزانه، اوراق قرضه سازمان گسترش مالکیت صنعتی و اوراق قرضه عباس آباد به بورس تهران راه یافتند. در سال ۱۳۴۷ سهام چهار شرکت سیمان شمال، سیمان تهران، قند نیشابور و بانک ایرانیان و نیز اسناد خزانه و قبوض اصلاحات ارضی مربوط به مرحله اول در بورس پذیرفته شد. در سال های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ مجموعاً سهام شش شرکت در بورس پذیرفته شدند. اوراق بهادار پذیرفته شده در سال ۱۳۵۰ عبارت بودند از: سهام پنج شرکت و اوراق قرضه یک ساله، دو ساله، سه ساله و همچنین اوراق قرضه نوسازی اراضی عباس آباد (۱۹).

حجم معاملات در بورس تهران از سال ۱۳۴۶ تا پایان سال ۱۳۵۰، به ترتیب سالیانه به ۱۵/۳، ۱۲۳/۸، ۱۳۳/۴، ۱۲۱/۱، ۳۸۸/۴ میلیون ریال بالغ گردید. در سال ۱۳۵۱ حجم معاملات سهام و سایر اوراق بهادار به ۱۱۹/۳ میلیون ریال افزایش یافت و طی آن ۳۳۴ میلیون ریال سهام شرکت ها، ۳۶/۱ میلیون ریال دستور پرداخت های اصلاحات ارضی و ۴۶/۵ میلیون ریال اوراق قرضه و ۷۶۴/۷ میلیون ریال اوراق قرضه عباس آباد مورد معامله قرار گرفت. تعداد شرکت های پذیرفته شده در سال ۱۳۵۱ به ۲۳ شرکت بالغ گردید (۲۰).

معاملات بورس تهران در سال ۱۳۵۲ نسبت به سال ۱۳۵۱ حدود دو و نیم برابر افزایش یافت. از جمع کل معاملات در این سال، مبلغ ۱۳۲۲/۷ میلیون ریال مربوط به معاملات سهام، ۱۰۱۱/۲ میلیون ریال اوراق قرضه عباس آباد، ۴۳۷/۴ میلیون ریال اوراق قرضه و اسناد خزانه و ۲/۴ میلیون ریال دستور پرداخت های اصلاحات ارضی بود. در سال ۱۳۵۲ تعداد ۱۵ شرکت تقاضای پذیرش سهام خود را در بورس نمودند که از این تعداد، ۱۱ شرکت پذیرفته شدند و در نتیجه جمع تعداد شرکت های پذیرفته شده در بورس تا سال مزبور به ۳۴ شرکت رسید (۱۹).

حجم معاملات بورس در سال ۱۳۵۳ نسبت به سال قبل از آن از تحرک و رونق قابل ملاحظه ای برخوردار گردید و در این سال به ۱۰۹۶۲/۲ میلیون ریال بالغ شد. در این سال همچنین، مجموع شرکت های پذیرفته شده از ۳۴ شرکت به ۴۳ شرکت افزایش یافت. معاملات در سال ۱۳۵۴ در حدود ۶۴ درصد نسبت به سال ۱۳۵۳ افزایش یافت و به ۱۸ میلیارد ریال بالغ گردید که از این میزان، ۱۰/۷ میلیارد ریال مربوط به معاملات سهام و ۷/۳ میلیارد ریال مربوط به معاملات اوراق قرضه بوده است (۲۱).

در سال ۱۳۵۴ تعداد ۲۱ شرکت تقاضای پذیرش سهام خود را در بورس نمودند که از این تعداد سهام ۱۶ شرکت پذیرفته شد و جمع شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران به ۵۹ شرکت افزایش یافت.

در سال ۱۳۵۵ تعداد شرکت های پذیرفته شده در بورس به ۷۶ شرکت و حجم معاملات آن به ۳۸۲۵۶ میلیون ریال بالغ گردید. در مهرماه این سال، بورس تهران به عضویت مکاتبه ای فدراسیون بورس های جهانی (که در توکیو تشکیل شده بود) درآمد و مقدمات همکاری های بورس تهران و بورس های سایر کشورها را در زمینه تبادل نظر و استفاده از تجربیات یکدیگر فراهم نمود. اوراق قرضه گسترش مالکیت نیز در اردیبهشت سال ۱۳۵۵ در بورس تهران پذیرفته شد. با پایان گرفتن سال ۱۳۵۵ علاوه بر افزایش حجم کل معاملات، تعداد سرمایه گذارانی که از طریق بورس اقدام به سرمایه گذاری در اوراق بهادار نمودند، روبه افزایش گذاشت. رونق معاملات در سال ۱۳۵۶ کماکان تحت تاثیر اجرای قانون گسترش مالکیت سهام قرار داشت. در این سال، معاملات بورس به اوج خود رسید و کلاً ۴۴۱۷۳/۳ میلیون ریال اوراق بهادار مشتمل بر ۱۹۴۸۷/۹ میلیون ریال اوراق قرضه گسترش مالکیت (۱۲٪ کل معاملات)، مورد داد و ستد قرار گرفت. در سال ۱۳۵۶ تعداد شرکت های پذیرفته شده از ۷۶ شرکت به ۱۰۲ شرکت شامل ۲۴ بانک، ۶۹ شرکت تولیدی، ۴ شرکت بیمه خدماتی و ۵ شرکت توسعه و سرمایه گذاری بالغ گردید (۲۱).

بالاخره در سال ۱۳۵۷ که مقارن با وقوع انقلاب اسلامی بوده است، حجم معاملات در بورس تهران به شدت کاهش یافت و خصوصاً در شش ماهه دوم سال در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار گرفت. معاملات انجام شده در سال ۱۳۵۷ کلاً به مبلغ ۳۴۰۵/۳ میلیون ریال بالغ گردید که حدود ۱۰۰۰۰ میلیون ریال آن مربوط به فروش تعداد کثیری از سهام بانک صادرات بوده است. در سال ۱۳۵۷ سهام سه شرکت دیگر در بورس تهران پذیرفته شد و تعداد شرکت‌های پذیرفته شده به ۱۰۵ شرکت بالغ گردید (۲۲). معاملات اوراق بهادار در سال ۱۳۵۸ با رکود قابل توجهی روبرو گردید و به خصوص در زمینه معاملات سهام به حداقل خود در تاریخ بورس رسید. پس از ملی شدن بانک‌ها و شرکت‌های بیمه، سهام کلیه بانک‌ها و شرکت‌های بیمه که در فهرست نرخ‌های بورس تهران درج شده بود از فهرست مزبور حذف گردید. در همین سال به دنبال تصویب قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران، تعدادی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس مشمول قانون مزبور گردید و به دنبال این تحولات معاملات سهام در بورس تهران راکد شد. در این سال معادل ۴۱۰۶/۱ میلیون ریال اوراق بهادار شامل ۳۰/۲ میلیون ریال سهام شرکت ها، ۱۶۲۲/۲ میلیون ریال قرضه دولتی و ۲۴۵۳/۷ میلیون ریال قرضه گسترش مالکیت مورد معامله قرار گرفت (۲۲). همچنین در این سال انتشار اوراق قرضه گسترش متوقف گردید و با توجه به اینکه قسمت اعظم آن در گذشته توسط بانک‌ها خریداری شده و برای فروش عرضه نمی‌شد، معامله این اوراق نیز تا به امروز، هر روز محدودتر می‌گردد.

۷- نتیجه گیری

در اقتصاد ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه، تشکیل سرمایه مهمترین عامل رشد و توسعه اقتصادی است. می‌توان گفت یکی از نتایج مهم سرمایه، همان سپرده‌های افراد نزد بانک‌هاست که به عنوان نماینده پس انداز جامعه محسوب می‌شود. جهت جذب سپرده‌های مالی در اقتصاد ایران، بایستی عوامل مؤثر بر ایجاد سپرده (تشکیل سرمایه) را بررسی نماییم. برای رسیدن به این هدف بر اساس تحقیقات انجام شده در این رابطه عواملی همچون تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بعد از انقلاب از قبیل: جنگ تحمیلی، تحریم‌های اقتصادی، سیاست‌های پولی و بانکی دولت، تحول نظام بانکی کشور به بانکداری بدون ربا و ... بر روی حجم و نحوه سپرده‌گذاری مردم مؤثر بوده است. علاوه بر آن پاره‌ای از متغیرهای کلان اقتصادی از قبیل: تورم، درآمد سرانه نرخ ارز و همچنین متغیرهای بانکی از قبیل نرخ سود سپرده‌ها، تعداد شعب و نحوه مدیریت بانک‌های تجاری از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند.

در مدل سپرده‌های بانک‌های تجاری مشاهده می‌کنیم که هرگاه درآمد سرانه افراد افزایش یافته، بر حجم سپرده‌های بانکی هم افزوده شده است. می‌توان گفت به دلیل اینکه قدرت خرید آنها افزایش پیدا کرده است، در نتیجه سهم بیشتری را به پس انداز و سپرده‌های خود اختصاص می‌دهند. همانطور که گفته شد افراد به دنبال کسب سود بیشتر هستند. بنابراین با افزایش نرخ ارز، مردم در سبب دارایشان تغییراتی ایجاد می‌کنند و ارز را جانشین سپرده‌های بانکی خواهند کرد و این شاید به دلیل تصور مردم از سوددهی بالاتر بازار ارز در آینده نشأت گرفته باشد. از طرف دیگر افزایش نرخ ارز باعث کاهش ارزش پول و افزایش تورم خواهد شد. افزایش تورم موجب کاهش پس انداز می‌شود، بنابراین به طور غیرمستقیم باعث کاهش سپرده‌های بانکی می‌شود (۲۳).

تورم فزاینده باعث منفی شدن سود واقعی سپرده‌های بانکی شده و در نتیجه انگیزه افراد را برای پس انداز کردن کاهش می‌دهد. همچنین افرادی که دارای پس اندازهای هنگفتی در سیستم بانکی هستند، مجبورند جهت جلوگیری از کاهش ارزش پول خود، سپرده‌های خود را از سیستم بانکی بیرون بکشند و به فعالیت‌های دیگر سوق دهند. بازار سرمایه نیز به علت ضعف ساختاری و عدم کارایی، توان جذب پس اندازهای سرگردان را ندارد (۲۴). همانطور که می‌بینیم به طور مثال در سال ۷۴ و ۸۱ میزان پس انداز ناخالص ملی به قیمت جاری به ترتیب ۱۰۱۸۵۳ و ۱۵۸۳۸۸ میلیارد ریال بوده است که از این حجم پس انداز در طی

سال‌های مذکور، حجم سهام معامله شده در بورس به ترتیب ۱۸۸۰/۶ و ۲۲۷۶/۱ می‌باشد که این مسأله نشان می‌دهد که بورس تهران در جذب پس‌اندازها و هدایت آن به سرمایه‌گذاری و خرید سهام، نقش قابل ملاحظه‌ای را نداشته است. در نتیجه این پس‌اندازها به سمت بازارهای غیررسمی یا بورس بازی در امر مسکن، ارز، خودرو و ... سوق پیدا می‌کند. از طرف دیگر زمانی که نرخ بهره بازار غیررسمی افزایش پیدا می‌کند باعث می‌شود که سپرده‌های بانکی کاهش یابد و این سپرده‌ها به سمت بازار غیررسمی روانه شود. بنابراین همانطور که ملاحظه می‌شود، افزایش شاخص قیمت‌ها هم باعث کاهش نرخ پس‌انداز و همچنین کاهش سپرده‌های بانکی خواهد شد (۲۱).

۸- پیشنهادات

از آنجا که موتور توسعه اقتصادی هر کشوری را سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه تشکیل می‌دهند و همچنین جهت سرمایه‌گذاری، نیاز به پس‌انداز می‌باشد. لذا به منظور بسیج پس‌اندازها در ایران و یا به نوعی افزایش سپرده‌های بانکی پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

۱- متنوع کردن خدمات نهادهای مالی با توجه به تأثیر آن بر حجم پس‌اندازها و همچنین سرمایه‌گذاری می‌تواند موجبات انباشت سرمایه بالاتر را در اقتصاد ایران فراهم کند و موجب افزایش میزان رشد اقتصادی و دستیابی به رفاه اجتماعی بالاتری در روند توسعه اقتصادی شوند.

۲- افزایش کارایی نظام بانکی از طریق ارتقای قابلیت‌های نیروی انسانی شامل آموزش مدیران و کارشناسان، ایجاد انگیزه، خلاقیت و مشارکت از طریق شایسته‌سالاری و تعیین حدود مسئولیت‌ها از یک طرف و به کارگیری نیروی انسانی مجرب و آموزش دیده از سوی دیگر است. استفاده از شاخص‌های استاندارد بین‌المللی نظیر رضایت‌مندی مشتریان، سرعت در انجام خدمات، سهولت در دسترسی به خدمات و سایر شاخص‌ها، گام مهمی در ارتقای خدمات بانکی و افزایش کارآمدی نظام بانکی محسوب می‌شود و عملی کردن چنین مواردی، رهیافتی مهم در ارتقای نظام بانکی، افزایش سپرده‌های بانکی و به تبع آن ارتقاء بخش مالی اقتصاد ایران است.

۳- حذف بازار غیررسمی که در حال حاضر معضل بزرگی در شکل‌گیری یک بازار کارآمد مالی در اقتصاد ایران محسوب می‌شود، یکی از اقداماتی است که می‌تواند موجب بکارگیری درست سرمایه‌ها شود و از طرف دیگر موجب هدایت سرمایه‌ها به سمت بازار پول (بانک‌ها) و بازار سرمایه (بورس) شود. ضابطه‌مند کردن فعالیت این قبیل مؤسسات و تحت نظارت قوانین مالی عمل کردن آنها می‌تواند پی‌آمدهای نامطلوبی را که از این ناحیه گریبان‌گیر اقتصاد ایران می‌شود، حذف کند.

۹- منابع و مأخذ

۱. اسماعیل پور، حسن؛ غفاری آشتیانی، پیمان؛ (۱۳۸۹)، "فرآیند تامین مالی از طریق بازارهای مالی"، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی اراک.
۲. مولایی، محمد، (۱۳۸۶)، "آرمانها و اهداف دولت اسلامی و عملکرد اقتصادی دولت ایران"، مجموعه مقالات ارائه شده در پنجمین همایش اقتصاد اسلامی و دولت و بازار، مقاله شانزدهم.
۳. صالح آبادی، علی، (۱۳۸۵)، "بازارهای مالی اسلامی"، دانشگاه امام صادق (ع).

۴. مرادی، سید علی، (۱۳۸۹)، "مبانی اقتصاد اسلامی"، انتشارات سمت، تهران.
5. Neusser, Klaus and Maurice Kugler. 1998. "Manufacturing Growth and Financial Development: Evidence from OECD Countries," *Review of Economics and Statistics*. 80: 638-46.
6. Ahmed, S. N. and M. I. Ansari. 1998. "Financial Sector Development and Economic Growth: The South-Asian Experience," *Journal of Asian Economics*. 9: 503- 17.
7. Granger, C. J. 1969. "Investigating Causal Relationships by Econometrics Models and Cross Spectral Methods," *Econometrica*. 37: 425-35.
۸. امیری، هوشنگ، (۱۳۹۰)، "بانکداری سنتی و چارچوب امنیتی آن"، ماه نامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۲.
۹. شایان آرانی، شاهین، (۱۳۸۹)، "نقش بانکداری اسلامی در توسعه ملی، شرکت مهندسی مالی هدی بین الملل.
10. Jin Park, Sukho Lee & Han Bin Kang, (2009), "The insurance distributionsystems and efficiency in the property-casualty insurance industry" *Managerial Finance*, Vol. 35 No. 8, pp. 670-68
11. Chiang Ku Fan and Shu Wen Cheng, (2009), "An efficiency comparison of direct and indirect channels in Taiwan insurance marketing" , *Direct Marketing: An International Journal* Vol. 3 No. 4, pp. 343-359.
12. Xiaoling Hu, Cuizhen Zhang, Jin-Li Hu, Nong Zhu, (2009). "Analyzing efficiency in the Chinese life insurance industry", *Management Research News* Vol. 32 No. 10, pp. 905-920.
۱۳. میزایی، حبیب، ۱۳۷۸، بررسی ویژگی های اقتصادی و شخصیتی بیمه گزاران بیمه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.
۱۴. مهدوی، غزاله، ۱۳۸۸، بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای بیمه عمر در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء(ع).
۱۵. امیری، هوشنگ، ۱۳۸۲، بیمه ایران: از فروهر تا عباس زادگان، انتشارات دل آگاه، تهران.
۱۶. دوانی، غلامرضا، (۱۳۸۹)، "بورس و سهام و نحوه قیمت گذاری سهام"، نشر نخستین.
۱۷. تاجدار، رسول؛ (۱۳۸۶)، "نقش بورس در جهت ایجاد ارزش افزوده برای دولت"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۱۸. بزرنگانی، افشین، (۱۳۸۳)، "تاریخچه بورس در ایران"، تهران: انتشارات اندیشه نو.
۱۹. احمدی، بهزاد، (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه بین سود تقسیمی با بازده سهام در شرکت های بورس تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۲۰. حسامی، هاشم، (۱۳۹۰)، "جایگاه بورس در اقتصاد"، تهران: انتشارات سمت.
۲۱. احمدی، سعید، (۱۳۸۸)، "ارتباط بورس با اقتصاد جهانی"، تهران: انتشارات انگیزش.
۲۲. ساکتی، حسین، (۱۳۸۹)، "جایگاه بورس از گذشته تا به حال"، تهران: انتشارات اتاق بازرگانی.
۲۳. رحمانی، علی؛ اسحاقی، متین، (۱۳۹۰)، "سود هر سهم؛ چالش های محاسبه و فرصت های بهبود"، تدبیر، شماره ۱۵۰: ۱-۱۷.
۲۴. آذربایجانی، کریم؛ سروش یار، افسانه، (۱۳۸۸)، "جستجوی بهترین معیار عملکرد مالی"، حسابرس، شماره ۵۲.

بانک مقالات بازاریابی